

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شاخه‌های مدیریت جهادی
از منظر مقام معظم رهبری دام‌ظلمت

شاخصه‌های مدیریت جهادی

از منظر مقام معظم رهبری دام‌طاهره



مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی

مقدمه

روحیه جهادی لازم است. ملت ما از اوّل انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدّس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می‌کنیم. اگر ما در بخش‌های گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدّیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم- نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف- بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت»^۱.

۱. خودسازی

«علاوه بر اینکه هر فرد مسلمانی احتیاج دارد به اینکه در این ماه ذخیره تقوا و پرهیزکاری و تهذیب و تزکیه را برای خود فراهم کند، ما منسلکین در سلك روحانیت، بیشتر از دیگران به این معنا احتیاج داریم. به قول آن عارف معروف که می‌گوید: «آب که از برکات الهی است، همه پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها را از بین می‌برد؛ هر جسمی که با آب تماس می‌گیرد، پاک می‌شود؛ ولی خود آب تحت تأثیر تماس با ناپاکی‌ها و ناپاکی‌ها، به تصفیه احتیاج پیدا می‌کند و خدای متعال در يك گردش طبیعی، آب را به بخار تبدیل می‌کند؛ به آسمان می‌برد، از بالا مجدداً به صورت قطرات باران به زمین برمی‌گرداند، پلیدی‌ها را از آن جدا می‌کند، آن را تصفیه می‌کند و باز به صورت ماء طهور در اختیار افراد انسان و سایر موجودات قرار می‌دهد».

گوینده این سخن حکمت‌آمیز می‌گوید: «این جان شما، معارف شما، نصایح شما، بلکه خود قلب و روح شما، همان ماء طهوری است که ناپاکی‌ها را از انسان‌ها می‌زداید؛ اما خود این ماء طهور به تدریج به تصفیه و تزکیه احتیاج پیدا می‌کند و تزکیه و تصفیه آن، جز با يك عروج معنوی، جز با يك گردش معنوی به سمت علویات - که آن هم با ذکر و دعا حاصل خواهد شد - ممکن نمی‌شود.» با ذکر، با توجه، با توسل، با مناجات، با نافله، با تضرع در مقابل خداوند، با تفکر در آیات آفاقی و انفسی، این ماء طهور باز همان طهارت خود را به دست می‌آورد؛ آماده می‌شود تا باز هم با پلیدی‌ها مواجه گردد و آنها را از جسم و جان بشر و عالم بزداید»^۱.

۱. بیانات در دیدار با علما و روحانیون در آستانه ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۶/۱۰/۰۳؛ حوزه و روحانیت در آئینه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ص ۳۷۸ و ۳۷۹.

۲. سرعت عمل بدون شتابزدگی

«در بخش‌های دولتی هم باید همه جدیت داشته باشند و سرعت عمل. البته «سرعت عمل» که می‌گوییم، مرادمان شتابزدگی نیست؛ سرعت عمل بدون شتابزدگی. يك مقطعی را مشخص کنند و کارها را پیش ببرند و نتایج کارها را به مسئولان بالاتر گزارش بدهند. ما هم در اینجا از چند ماه پیش يك کارگروهی را تشکیل دادیم برای اینکه در سه قوه موضوع را دنبال کنند. حالا در مجلس هم کمیسیونی برای این کار تشکیل شده، در دولت هم مجموعه‌ای برای این کار هست. باید کار را سرعت ببخشند. سرعت بخشیدن به کار منافع ندارد با اینکه کار شتابزده انجام نگیرد؛ یعنی مطالعات را بکنند و اطرافش را هم درست بسنجند؛ با آدم‌های صاحب‌نظر مشورت بکنند. این يك وظیفه است که همه باید در کار خودشان جدی باشند»^۱.

«نکته بعدی این است که سرعت را با دقت همراه کنید. سرعت غیر از شتابزدگی است؛ شتابزدگی بد است. سرعت وقتی با دقت همراه شد، کار معقول و صحیح است. سرعت بدون دقت، می‌شود شتابزدگی. مواظب باشید در تصمیم‌گیریها و نوع کارها، شتابزدگی پیش نیاید و دست‌پاچه‌مان نکنند. گاهی اوقات دست‌پاچه کردن مسئولان به مسائل مختلف - گاهی بعضی از نخبگان، بعضی از آحاد مردم و بعضی از مرتبطين، آدم را سر يك کاری دست‌پاچه می‌کنند - آنها را عقب می‌اندازد. انسان وقتی که دست‌پاچه شد، حتی گاهی همان کاری هم که در فرصت معینی می‌توانست انجام بدهد، آن را هم نمیتواند انجام بدهد؛ یعنی تأخیر هم می‌افتد. علاوه بر اینکه خیلی اوقات کار هم غلط و همراه با ضایعه انجام می‌گیرد. من تأکید میکنم، این سرعت عملی که در رفتار دولت مشاهده میشود، چیز ممدوحی است؛ اما مراقب باشید این سرعت عمل، شکل شتابزدگی به خودش نگیرد؛ یعنی همیشه با دقت همراه باشد»^۲.

۱. بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.

۲. بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۵/۶/۶.

۳. استفاده کامل از ظرفیت‌های موجود (استفاده بهینه از امکانات)

«ما هستیم و آن نیازهای عظیم و این دشمنی‌های شکننده همراه با نقشه و بدخواهی. حوزه علمیّه چکار باید بکند؟ پاسخ این است که از امکاناتی که دارد، استفاده کند و به احسن و اتقن وجه، خودش را بسازد. نباید يك ذره از امکانات حوزه علمیّه که عمده‌اش نیروی انسانی است، هدر رود. نباید يك ساعت درس طلبه یا استاد، زائد و بی‌فایده و غیرناظر به آن نیازها باشد. طلبه‌ای که در حوزه درس می‌خواند، باید در جهت برآوردن یکی از حاجات و رفع یکی از نیازها حرکت کند؛ یعنی یا برای داخل و یا برای خارج، یا برای تألیف و یا برای تحقیق، یا برای تدریس و یا برای تعلیم، خود را آماده کند... این حرکت نباید گُند شود؛ بلکه باید روز به روز سرعت و استقامت و صحت بیشتری پیدا کند و اگر در يك جا کار اشتباه و یا گُند پیش می‌رود، تصحیح و تسریع شود.^۱»

۴. خلاقیت و ابتکار عمل

«من به همه جوانان و همه‌ی کسانی که در راه علم حرکت می‌کنند، مؤکداً توصیه می‌کنم که رشته علم و تحقیق و نوآوری در دانش و زنده کردن روح ابتکار و خلاقیت و آفرینش درونی و حقیقی خود را رها نکنند. فعالیت و ابتکار و نوآوری و خلاقیت، اساس پیشرفت انسان و زندگی انسانی است»^۲.

۱. بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۴/۰۶/۱۳۷۴.

۲. بیانات در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه، ۱۸/۲/۱۳۸۴.

۵. شجاعت و جسارت انقلابی آمیخته با حزم (روحیه جهادی و بسیجی)

«روحیه جهادی لازم است. ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می‌کنیم. اگر ما در بخش‌های گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت.»^۱

«يك مسأله، مسأله ارزش‌ها در حوزه است. طلاب باید ارزش‌هایی را به عنوان ارزش‌های ثابت و زوال‌ناپذیر همواره به یاد داشته باشند؛ که از جمله آنها، ارزش علم و ارزش جهاد است. ارزش جهاد را دست‌کم نگیرید. طلبه جهادگر، طلبه تلاش‌گر، طلبه بسیجی، طلبه‌ی که آماده است تا در میدان‌های خطر حضور پیدا کند، این طلبه است که اگر با ابزار علم مجهز شد، آن وقت دنیایی در مقابل او دیگر تاب نمی‌آورد»^۲.

«همه بخش‌های کشور می‌توانند دارای روحیه بسیجی باشند. علم‌آموزی بسیجی، ثروت‌اندوزی بسیجی، دیپلماسی بسیجی، سیاست‌ورزی بسیجی، مدیریت بسیجی، سازماندهی بسیجی؛ مفهوم بسیج شامل حال همه این زمینه‌ها می‌شود؛ معنایش هم عبارت است از نوآوری و ابتکار و اخلاص... در دل نظام اسلامی باید یک نیروی دفاعی قادر، بیدار، مستحکم و آماده به کاری همیشه وجود داشته باشد؛ این همان روحیه بسیجی است. ارتش هم می‌تواند روحیه بسیجی داشته باشد، سپاه هم می‌تواند روحیه بسیجی داشته باشد، یگان‌های بسیج هم که با همین مبنا تشکیل شدند، می‌توانند روحیه بسیجی داشته باشند، دستگاه‌های دولتی هم می‌توانند روحیه بسیجی داشته باشند، دستگاه‌های انتظامی هم می‌توانند روحیه بسیجی داشته باشند، دستگاه دیپلماسی هم می‌تواند روحیه بسیجی داشته باشد. اگر این شد، پیروزی حتمی و سریع خواهد شد. به بسیجی با این چشم نگاه کنیم،

۱. بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال، ۱۳۹۰/۱/۱.

۲. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۰/۱۲/۱.

به روحیه بسیجی با این چشم نگاه کنیم؛ و این روحیه را هرچه می‌توانیم، زنده بداریم.»^۱

۶. پرهیز از افراط و تفریط

«يك نکته هم خطاب به جوانان پرشور و انقلابی حوزه است، که متن حوزه غالباً همین جوانهای پرشور و طلاب انقلابی هستند. عزیزان من! آینده مال شماهاست، امید آینده کشور شماها هستید؛ باید خیلی مراقبت کنید. درست است که جوان طلبه انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد؛ مبدا حرکت انقلابی جوری باشد که بتواند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوانهای انقلابی بدانند؛ همان طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه می‌زند، زیاده‌روی هم ضربه می‌زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به بعضی از مقدسات حوزه، به بعضی از بزرگان حوزه، به بعضی از مراجع يك وقتی مثلاً اهانتی شده باشد، درست باشد، بدانید این قطعاً انحراف است، این خطاست. اقتضای انقلابی‌گری، اینها نیست. انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرائط زمانه را درك کند. مسئله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم؛ اینجوری نمی‌شود. باید دقیق باشید، باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مأیوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلانی يك چیز لازمی است. البته این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند؛ بعضی هم اینجوری دوست می‌دارند. عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛

نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام می‌گیرد؛ واضح است. پس نه از آن طرف، نه از این طرف»^۱.

۷. مسئولیت‌پذیری

- «ما هر کدامان در هر جایی که هستیم، باید برای سرنوشت کشور و برای آینده کشور، احساس مسئولیت و تعهد کنیم و بدانیم که می‌توانیم نقش ایفا کنیم. یک دانشجو، یک استاد، یک معلم، یک دانش‌آموز، یک کشاورز، یک فعال صنعتی و یک سرمایه‌گذار در بخش‌های گوناگون کشاورزی یا صنعتی، همه باید احساس مسئولیت کنند. با احساس مسئولیت همگانی و همه‌جانبه و با هدایت دستگاه‌های مسئول کشور - دستگاه‌های دولتی و مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه - ملت ایران خواهد توانست بر همه این موانع و مشکلاتی که دشمنان جهانی می‌خواهند بر او تحمیل کنند، فائق بیاید و با قدرت و با حکمت خود، جامعه نمونه‌ای را که اسلام برای مسلمان‌ها خواسته است، تشکیل بدهد.»^۲

- «برادران عزیز می‌گویند که معمم شدند، از این لحظه به‌طور رسمی مسئولیت‌شان مضاعف می‌شود. در نظام اسلامی همه مسئولند؛ «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^۳؛ لیکن بعضی از موقعیت‌های اجتماعی، مسئولیت‌های مضاعفی دارد؛ و لباس ما از جمله آن موقعیت‌هایی است که از چند جهت مسئولیتش مضاعف است: اولاً چون لباس علم است و عالم از دیگران مسئول‌تر است؛ بخصوص علم دین است که اذاعه‌ی علم دین و بیان حقایق الهی، شغل انبیای عظام پروردگار است؛ ثانیاً چون مردم معتقدند که در ملبّسان به این لباس، معنویت و تقوا و ورعی هست. مردمی که در امور مادی و معنوی‌شان با احتیاط برخورد می‌کنند، به یک روحانی که می‌رسند، احساس اعتماد

۱. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.

۲. بیانات در دیدار مردم شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۱.

۳. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۲، ص ۳۸.

می‌کنند. با این لباس هر جا باشید، مردم به شما احترام و سلام می‌کنند؛ وقت نماز بشود، اگر بخواهند از بین خودشان يك نفر را به امامت بگمارند، شما را خواهند گمارد؛ اینها حاکی از اعتماد دینی مردم به این لباس است؛ این خود به‌طور اضافه مسئولیتی را بر دوش ما بار میکند. ما باید کاری کنیم که مشمول آن روایاتی نباشیم که هرکس باطن او از ظاهرش کمتر بود، «فهو ملعون». مسئولیت سوم این است که امروز در نظام سیاسی کشور، روحانیت نقش دارد - چون نظام، نظام دینی است - و این نقش در شکل‌های مختلف مشاهده می‌شود؛ از حضور در دستگاہی برای اقامه‌ی نماز جماعت یا بیان احکام دین بگیرید، تا زمامداری جامعه. کارهای دینی و مسئولیت‌هایی که متوقف به معرفت دینی است؛ حتی خیلی از آنهایی هم که متوقف به معرفت دینی نیست، به روحانیون محول می‌شود؛ اینها مسئولیت‌های شماست. شما اگر معمم هم نبودید، البته مسئولیت داشتید. اگر کسی عالم دین باشد و معمم نباشد، البته مسئولیت دارد؛ اما اگر معمم باشد، این مسئولیت مضاعف است؛ حواستان را جمع کنید»^۱.

۸. داشتن روحیه خدمت‌گزاری

- «ممکن است امروز در برخورد با مردم، طلبکارانه برخورد کنیم. اگر این‌طور باشد، يك بیماری است. ما باید سعی کنیم که با مردم، طلبکارانه برخورد نکنیم و خودمان را همچنان خادم و مخلص و در خدمت آسایش و هدایت مردم بدانیم و در این راه، سرمایه‌گذاری کنیم»^۲.

- «... تکلیف دوم، که باز ما در آن با علمای دوره‌های قبل شريك هستیم، تکلیف مجاهدت برای مردم است. اگر انقلاب پیروز هم نشده بود، این تکلیف بود. همیشه علمای ما برای مردم کار و تلاش می‌کردند، زحمت می‌کشیدند، فقرا را پاسداری می‌کردند،

۱. حوزه و روحانیت در آئینه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۱، ص ۳۷۷.

۲. همان، ص ۱۹۶.

به آنها رسیدگی می‌کردند؛ دأب و روش علما این بود»^۱.

- «ارتباط با مردم هم يك ارتباط دو جانبه و تنگاتنگ است. مردم به روحانی می‌رسند، روحانی به مردم می‌رسد. رسیدگی روحانی به مردم هم فقط مسئله‌گویی نیست؛ درحالی‌که در بین ما این‌طوری جا افتاده است. روحانی گره‌گشایی می‌کند، مشورت فکری می‌دهد و حل و فصل خصومت‌ها و اختلافات را می‌کند؛ الآن هم همین‌طور است. می‌نشینند، حرف می‌زند، نصیحت می‌کند و دل به دل مردم می‌دهد... یعنی همدلی با مردم. همین خصوصیت - با مردم بودن - باعث شده است که در تحولات عظیم اجتماعی کشور ما - که مهم‌ترین کشور شیعه‌ی دنیاست - روحانیت پیش‌قدم باشد»^۲.

۹. اخلاص

«عنصر دوم، اخلاص است. فرمود اگر کسی در میدان جهاد فی‌سبیل‌الله دنبال یک خواسته شخصی برود، دنبال غنیمت برود و کشته شود، شهید فی‌سبیل‌الله نیست. شرط شهادت و شرط مجاهد فی‌سبیل‌الله بودن این است که حرکت او فی‌سبیل‌الله باشد، لله باشد؛ یعنی اخلاص داشته باشد. انگیزه‌های شخصی، انگیزه‌های گروهی، انگیزه‌های فامیلی، رودربایستی‌های رفاقتی اگر در حرکت ما تأثیر گذاشت، این اخلاص را مشوب می‌کند، مشکل درست می‌کند. بی‌اخلاصی، یک جائی خودش را نشان خواهد داد»^۳.

«پایه اصلی کار بسیجی، اخلاص است. گمنام، از جمله تعبیرات امام است: مکتب شاه‌دان و شهیدان گمنام. گمنام یعنی دنبال نام و نشان نبودن. گفت: در کیش ما مجرد عنقا تمام نیست/ در قید نام ماند اگر از نشان گذشت. برای خدا کار کردند، که این ناشی است از روحیه اعتماد به خدا؛ می‌دانیم که پیش‌خدا متعال ضایع

۱. بیانات در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.

۲. بیانات در دیدار با روحانیون استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۷.

۳. بیانات در دیدار با بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۲.

نمی‌شود. شما در خلوت عبادت می‌کنید، با خدا حرف می‌زنید، کسی هم نمی‌فهمد؛ خاطرتان هم جمع است که خدا دارد می‌بیند، این عبادت را محسوب می‌کند؛ کرام‌الکاتبین الهی نمی‌گذارند این عبادت شما مثل عملی که انجام نشده، بماند؛ نه، تحقق پیدا کرده، این را یادداشت می‌کنند؛ آن وقت «فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره»؛ همین را می‌بینید. عین همین در فعالیت‌های اجتماعی است. شما يك حرکتی را انجام می‌دهید برای خدا، يك اقدامی را می‌کنید برای خدا، يك تصمیمی را می‌گیرید برای خدا، هیچ‌کس هم نمی‌فهمد؛ برای این تصمیم، پیش هیچ‌کس هم تفاخر نمی‌کنید؛ این را خدای متعال می‌فهمد، می‌داند، می‌نویسد. به خدای متعال اعتماد دارید، به خدای متعال حسن ظن دارید. حالا گیرم دیگران نفهمیدند. مگر دیگران چقدر به ما مزد می‌دهند؟ در مقابل مزد الهی، این مزدهای دنیوی مگر چقدر است؟ بسیجی اینجوری فکر می‌کند؛ لذاست که اخلاص به خرج می‌دهد، مخلصاً لله کار را انجام می‌دهد. اخلاص، یکی از خصوصیات است. اگر اخلاص شد، آن وقت خودپرستی‌ها و خودمحوری‌ها و اینها برکنار خواهد شد؛ ثروت‌اندوزی برای خود، دست دراز کردن به اینجا، به آنجا، دیگر ممنوع خواهد شد. اینها همه‌اش ناشی از شرك است؛ شرك پنهان. وقتی که اخلاص بود، شرك نبود، اینها دیگر از بین خواهد رفت. روحیه بسیجی این است. در مدیریت‌های کشور، در نظام عمومی کشور و سازماندهی عمومی کشور، در فعالیت‌های گوناگون، در فعالیت‌های مرسوم دولتی، در فعالیت‌های شخصی، همه جا روحیه بسیجی می‌تواند خودش را نشان بدهد^۱.

۱۰. بصیرت

«نگاه درست به سیاست جهان و جریان‌ات سیاسی دنیا لازم است. روحانی امروز باید بداند در کجا واقع شده و کجا قرار گرفته، تا بتواند درست دفاع کند. باید بدانید

سنگر شما کجاست، باید بدانید آن جبهه‌ای که در مقابل شما قرار گرفته، کی است و چیست. بدون آشنایی با سیاست جهان، با جریان‌های سیاسی عالم- که نمونه‌اش جریان‌های سیاسی کشور خودمان و محیط خودتان است- نمی‌شود»^۱.

۱۱. کم خواستن و زیاد نثار کردن (کم خرجی و پرکاری)

«بنابراین فلسفه بسیجی عبارت است از سرعت عمل، کار مخلصانه، کار شجاعانه، حضور داوطلبانه در میدان خطر و کم خواستن و بسیار نثار کردن»^۲.

۱۲. خستگی ناپذیری، پرکاری و سخت‌کوشی

«اگر ما در بخش‌های گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم- نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف- بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت»^۳.

«... هرچه قشر روحانی، مقاوم‌تر، فداکارتر، مبارزتر، تن‌به‌سختی‌بده‌تر و آماده‌تر باشد، این کار عملی‌تر است. شما آقایان که در دوره انقلاب - چه در دوره پیروزی انقلاب و چه در دوران پانزده سال مبارزات دشوار پیش از پیروزی - در صحنه بودید، دیدید که روحانی مقاوم مبارز آگاه آگاهی‌بخش، برای این حرکت، نورافکن و مشعلی بود؛ و روحانی بی‌اعتنای به این مسائل، یا نومید، یا ناآگاه، یا خدای نکرده دلبسته به زخارف دنیا، یا حداکثر وابسته به دستگاه‌های ظالم، مانع بزرگی بود. بعضی از روحانیون، اذیت می‌کردند»

۱. بیانات در دیدار با علمای استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۱.

۲. بیانات در دیدار با بسیجیان اردبیل، ۱۳۷۹/۵/۶.

۳. بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال، ۱۳۹۰/۱/۱.

من می‌خواهم این را به شما عرض بکنم که اگر بخواهیم به وظایف درست عمل کنیم، پیمودن راه از حالا به بعد، یقیناً آسان‌تر از راه گذشته ما نیست؛ راه دشواری است. از حالا به بعد، مسئله، مسئله حفظ ارزش‌هاست؛ جا انداختن اینها در ذهنیت ملل دنیا است؛ حراست از آنها در داخل جامعه اسلامی است. این، با زبان ممکن نیست؛ با عمل و تلاش و فداکاری و امید و آمادگی و علم و تقوا ممکن است. اگر در این مرحله‌ی از حالا به بعد، روحانیونی که متصدی و کمر بسته گسترش این تفکر الهی در سطح ذهنیت عالم هستند، دارای این خصوصیات باشند، این فکر پیش خواهد رفت. اگر خدای نکرده روحانیون، خسته و ملول و نومید و دل‌بسته شدند، از راحتی و آسودگی خشنود شدند، به آن عادت کردند، از خطر و سختی گریزان شدند، بار بر زمین خواهد ماند و این فکر پیش نخواهد رفت. البته چنین نخواهد شد»^۱.

«... هیچ مجموعه‌ای بدون دست و پنجه نرم کردن با مشکلات نتوانسته است يك نقش اثرگذار و ماندگار ایفا کند و به‌وجود بیاورد. طبیعت بشر این‌طور نیست که با راحت‌طلبی و برخورداری از آسایش مطلق بتواند به جای والایی دست پیدا کند؛ سختی‌ها را باید تحمل کرد؛ این همان سمت‌گیری به سوی رضای الهی و نقش‌آفرینی در سعادت يك جامعه است. حوزه‌های علمیه امروز می‌توانند خود را آن‌چنان بسازند که به معنای حقیقی کلمه نقش‌آفرین باشند»^۲.

۱۳. عمل به‌نگام و به اندازه

«عنصر سوم، عمل به‌نگام و به اندازه است. لحظه‌ها را باید شناخت. اگر چنانچه انسان وقت‌شناس نباشد، نداند کدام کار را در کجا باید انجام داد، ممکن است

۱. بیانات در دیدار با روحانیون و طلاب آزاده، ۱۳۶۹/۰۸/۰۵.

۲. بیانات در دیدار طلاب و اساتید مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۱.

خطاهای بزرگی از انسان سر بزند»^۱.

۱۴. اعتقاد و التزام عملی به کار گروهی

«چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البرّ و التّقوی» یا «و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً»؛ یعنی حتّی اعتصام به حبل‌الله هم باید دسته‌جمعی باشد «و لا تفرّقوا»^۲.

۱۵. خودباوری و اعتماد به نفس

«من امروز می‌خواهم به شما و همه‌ی ملت ایران عرض بکنم ملت ما یکی از داروهای بسیار لازم و مؤثری که نیاز دارد - داروی روحی و فکری - و باید این را در میان خود توسعه و ترویج کند، داروی اعتماد به نفس است. ملت ایران باید اعتماد به نفسی را که به برکت انقلاب و به برکت ایستادگی در میدان پرخطر انقلاب به دست آورد و بعد در میدان دفاع مقدس با همه آن مشکلات با ایستادگی خود، این اعتماد به نفس در او تقویت شد، این اعتماد به نفس را باید حفظ کند. این اعتماد به نفس، به ملت ایران این جرئت را، این همت را، این توانائی را می‌دهد که این راه طولانی تا آرمان‌های ترسیم شده برای جامعه اسلامی را طی بکند؛ بدون او نمی‌شود. بدون اعتماد به نفس نمی‌شود

۱. بیانات در دیدار با بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۲.

۲. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

این راه را رفت.... برادران و خواهران عزیز من! ... ملت عزیز ایران! اگر بخواهیم به آن آرمان برسیم، احتیاج دارد به اعتماد به نفس. باید بگوئیم می‌توانیم؛ همچنانی که تا امروز آن کارهایی را که اراده ملی به آن تعلق گرفت، توانستیم انجام بدهیم.^۱

۱۶. حضور در صحنه و در صف مقدم بودن

«یکی از خصوصیات خصلت بسیجی و جریان بسیجی، حضور است؛ غایب نبودن در آنجایی که باید در آنجا حاضر باشیم. این یکی از اولی‌ترین خصوصیات بسیجی است»^۱

«طلبه‌ها باید در صفوف مقدم باشند. اگر جنگ پیش می‌آید، طلبه باید در صفوف مقدم جنگ باشد و این را ارزش قرار بدهد. این، حقیقتاً يك ارزش است. آن کسی که در حوزه علمیه مشغول درس خواندن است، به مجرد اینکه اذان حرب و جهاد بلند شد، به سمت جهاد فی سبیل الله می‌شتابد، اصلاً قیمتی برایش متصور نیست. بهترین عناصر طلبه، آن کسی است که همین روحیه را در خود داشته باشد و پروراند، تا مشمول آن حدیث «من لم یغز و لم یحدّث نفسه بغزوات علی شعبه من التّفاق» نشود. اگر هم مانعی پیش آمده و نمی‌تواند عملاً وارد میدان جنگ شود، دلش برای میدان جنگ بجوشد و روحش در آنجا باشد؛ یعنی «حدث نفسه بغزو» باشد. این، ارزش بسیار والایی است. این روحیه باید زنده بماند»^۲.

۱۷. حرکت هدفمند

طلبه باید راه را با معرفت و علم و یقین انتخاب کند و با معرفت و علم و یقین هم آن را ادامه دهد.^۳

۱. بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹/۴/۲.

۲. بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلالی حوزه علمیه ی قم، ۱۳۶۹/۱۱/۰۴.

۳. بیانات در دیدار با مجمع طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۲/۱.

۱۸. حفظ عزت‌مندی

«عزت یعنی چه؟ عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله با دشمن، در مقابله با موانع، دارای اقتدار می‌کند و بر چالش‌ها غلبه می‌بخشد... در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه خدایی قرار می‌گیرد. در مصاف بین حق و باطل، بین جبهه خدا و جبهه شیطان، عزت متعلق به کسانی است که در جبهه خدایی قرار می‌گیرند. این، منطق قرآن است... «و لله العزّة و لرسوله و للمؤمنین و لیکنّ المنافقین لایعلمون»؛ (منافقون: ۸) عزت متعلق به خداست، عزت متعلق به پیامبر و به مؤمنین است؛ اگرچه منافقان و کافردلان این را درک نمی‌کنند؛ نمی‌فهمند که عزت کجاست، مرکز عزت واقعی کجاست... وقتی که عزت شامل حال یک انسان، یک فرد یا یک جامعه می‌شود، مثل یک حصار عمل می‌کند، مثل یک باروی مستحکم عمل می‌کند؛ نفوذ در او، محاصره او، نابود کردن او برای دشمنان دشوار می‌شود؛ انسان را از نفوذ و غلبه دشمن محفوظ نگه می‌دارد. آن وقت هرچه این عزت را در لایه‌های عمیق‌تر وجود فرد و جامعه مشاهده کنیم، تأثیرات این نفوذناپذیری بیشتر می‌شود؛ کار به جایی می‌رسد که همچنان که انسان از نفوذ و غلبه دشمن سیاسی و دشمن اقتصادی محفوظ می‌ماند، از غلبه و نفوذ دشمن بزرگ و اصلی، یعنی شیطان هم محفوظ باقی می‌ماند. آن کسانی که عزت ظاهری دارند، این عزت در دل آنها، در درون آنها، در لایه‌های عمیق وجود آنها نیست؛ لذا در مقابل شیطان بی‌دفاعند، نفوذپذیرند... بنابراین اگر عزت نفس در درون لایه‌های عمیق وجود انسان نفوذ کرد، آن وقت شیطان بر انسان اثر نمی‌گذارد؛ هواهای نفس در انسان اثر نمی‌گذارد؛ شهوت و غضب، انسان را بازیچه خود قرار نمی‌دهد»^۱.